

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و دوم ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

موضوع: « لعن در زیارت عاشوراء - بخشی از تناقضات و دروغ‌های احمد الحسن »

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

پرسش:

استاد ببخشید! می‌گویند «زیارت عاشورا» اولش لعن نداشته بعد لعن را اضافه کردند!

پاسخ:

من يك مناظره‌ای با آقای «بی آزار شیرازی» داشتم، تقریباً سال ۸۴ یا ۸۵ بود، ایشان چند جا این را گفته بود و نوشته بود، من در آن جا برای ایشان ثابت کردم، عبارت لعن؛ یعنی عبارت لعن آخر:

«وَأَبْدَأُ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ»

طوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۴ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

اول، ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۱۴

من برایشان ثابت کردم که عبارت «شیخ طوسی» عیناً این است. نسخه‌هایی که از «مهج الدعوات»، «شیخ طوسی» است، نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌ها است همه لعن را دارند؛ یعنی در قرن پنجم و ششم در تمام کتاب‌ها بوده است، الان نسخه‌هایی که از «مصباح المتهجد» شیخ طوسی در «کتابخانه آیت الله مرعشی» هست - حتی یکی از این نسخه‌ها تقریباً ۸۰ - ۹۰ سال بعد از وفات شیخ طوسی بوده است. ما عکسش را هم گرفتیم - این عبارت را دارند:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ اِبْدَأْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ التَّانِي ثُمَّ التَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ اللَّهُمَّ اَلْعَنْ يَزِيدَ
خَامِسًا...»

طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، اجلد، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ:

اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۲؛ ص ۲۷۶

من يك فايلى هم در اين موضوع دارم. در «سایت موسسه وليعصر» هم اگر شما مراجعه کنید مطالبی در اين مورد است. ببينيد اين عنوان‌ها در اين موضوع وجود دارد:

۱. لعن در «زيارت عاشورا»، چرا؟

۲. استفتاء از مراجع پيرامون «زيارت عاشورا»؛

۳. نظر مبارك خود را درباره «زيارت عاشورا» و عبارت: «اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ»؛ بيان کنید؟ اين طوری جواب داده شده: آقای «شاهردوی»؛ آقای «مظاهری»؛ آقای «صافی گليپايگانی»؛ آقای «شيرازی» و... همه اين آقایان قائلند که اين جمله جزء «زيارت عاشورا» است.

حالا بدبختی ما اين است که بعضی‌ها برای خوشايند چهار تا سنی می‌آيند يك چنین حرفی را مطرح می‌کنند.

پرسش:

استاد! بعضی‌ها می‌گویند بعضی از عبارات «زيارت عاشورا» از امام نيست، و اين عبارات به امام نمی‌خورد.

پاسخ:

کلا «زيارت عاشورا»، «حديث قدسی» است، درست است برای امام نيست، بالاتر از امام است، «صفوان» با سند صحيح از امام صادق (سلام الله عليه)، «زيارت عاشورا» را از قول خدا نقل می‌کند.

پرسش:

استاد! در زمان امیرالمؤمنین و امام صادق خوانده نمی‌شده؟

پاسخ:

ببینید در آن زمان‌ها شما حساب کنید شیعه نمی‌توانست نفس بکشد! شیعه نمی‌توانست نفس بکشد، شما ببینید چقدر از اصحاب امیرالمؤمنین را بالای دار بردند، چقدر شیعیان را بین در و دیوار گذاشتند، چقدر لای درخت گذاشتند و تکه تکه کردند! شما توجه کنید همین قضیه «یحیی ابن زید» موقعی که از دنیا می‌رود گریه می‌کند، رفیقش می‌گوید چرا گریه می‌کنی مگر از مرگ می‌ترسی؟ گفت نه! من گریه‌ام این است که (برخی) بچه‌های من نفهمیدند فرزندان فاطمه هستند! وضعیت آن قدر خفقان است که ایشان به (برخی) فرزندانش نتوانسته بگویند شما سید و اولاد زهرا هستید!

یا در مورد «قاسم ابن موسی ابن جعفر» قبلاً صحبت کردیم که تا آخر عمر کسی نمی‌دانست این از فرزندان آقا «موسی ابن جعفر» است، شیعه در این وضعیت قرار داشت!

این قضایا را برای خواص گفته بودند، بعد از این که «آل بویه» روی کار آمدند، خیلی از قضایا در حکومت «آل بویه» زمان «سید مرتضی» و «شیخ مفید» علنی شد. اصلاً «سید مرتضی»، «شیخ طوسی» در کتاب «الشافی» در چندین جا استدلال بر کفر ابابکر می‌کند، یک جا دو جا نیست، به صراحت می‌گوید این دلیل بر کفر ابابکر است؛ یعنی زمینه این‌طور فراهم بوده و قضیه مفتوح شده بود.

پرسش:

استاد! ذکر سجده «زیارت عاشورا» را می‌گویند خود حضرت در قتلگاه گفته‌اند.

پاسخ:

نه، در قتلگاه کاملاً ذکر حضرت مشخص است که چه بوده، چنین چیزی نیست.

پرسش:

زبان حال را عرض کردم

پاسخ:

اولاً يك مقدار ما روی قضایای مصائب سید الشهداء برویم و این را مصیبت خودمان بدانیم؛ یعنی ما وقتی عزیزمان از دنیا می‌رود چه کار می‌کنیم؟ حالا نمی‌گوییم چندین برابر عزیزمان که «بأبی انتم واهلی ومالی و أسترتی» وقتی که عزیزی از دنیا می‌رود ما می‌گوییم خدایا «صبراً علی بلائک» راضی هستیم الحمدلله؛ وقتی انسان زیارت عاشورا را با آن مضامین می‌خواند

«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ۖ وَ جَلَّتْ
وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ»

اگر ما این را با تمام وجود بگوییم مصیبت امام حسین، مصیبت ما است؛ یعنی خودمان را داغدار می‌دانیم، خودمان را مصیبت زده می‌دانیم

«وَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ
مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، جلد، مؤسسه فقه الشیعه - بیروت، چاپ:

اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۲؛ ص ۷۷۴ - ۷۷۵

اگر ما مصیبت امام حسین را مصیبت خودمان بدانیم، همه چیز حل است. خیلی عجیب است من عرض کردم. آقا زاده مرحوم «علامه امینی» برای من نقل می‌کرد که «مرحوم علامه» در عالم رویا به ایشان گفته بود دو چیز به داد من رسید: یکی گریه برای امام حسین و دیگری زیارت امام حسین.

ببینید مسئله خیلی فراتر از این قضایا است. ما درباره حضرت سید الشهداء خوب دقت کنیم و یک مقدار رابطه‌مان را با اهل بیت بیشتر کنیم و بعضی از مصائب را مصائب خودمان بدانیم؛ یعنی امام حسین را عزیز خودمان بدانیم. مثل فرزند خودمان، مثل برادر خودمان، مثل پدر خودمان بدانیم. همین اندازه بیشتر از این نمی‌خواهم تصور کنید. گرچه خیلی فراتر از این است! ما می‌گوییم آقا جان پدرم، مادرم و تمام فرزندانم فدای شما نه، فدای غبار زوار شما؛ این‌ها را اگر با قلب بگوییم، همه چیز حل است. دیگر در آن جا نه احتیاج به روضه خوان داریم و نه احتیاجی به مصیبت خوان داریم. در همان متن زیارت عاشورا شما ببینید تعابیر، خیلی تعابیر عجیبی است وقتی که انسان در فرازهای زیارت عاشورا دقت می‌کند، می‌بیند با هیچ یک از زیاراتی که از معصومین آمده زیارت عاشورا سنخیت ندارد. مخصوصاً این فرازش که دیگر خیلی غوغا است:

«وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»

ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، اجلد، دار المرتضویة - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۵۶ش،

ص ۱۷۷

شاید ما اصلاً عقل‌مان هم نرسد که این عبارت یعنی چه؟ می‌گوییم مثل بچه‌ای که مثلاً عربی بلد نیست، یک شعر عربی می‌دهند می‌گویند برو در برابر یک شاه این مقاله و شعر را بخوان فقط می‌داند متن او است از مضامین آن خبر ندارد، بعضی از فرازهای «زیارت عاشورا» این چنین است، ما خودمان نمی‌فهمیم که چه هست!

پرسش:

شاید مقام محمود همان شفاعت پیغمبر باشد.

پاسخ:

ببینید دارد: «أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ «يُبَلِّغَنِي» دارد، این غیر از این است که ما را به شفاعت شما برساند. ما را به آن مقام برساند، ما هم مقام محمود داشته باشیم، این فرق می‌کند با این که از ائمه بخواهیم به مقام محمودی که دارید، ما را شفاعت کنید. می‌گویید نه، ما را هم به همان مقام محمودی که دارید ما را هم به آن مرتبه برساند هم مقام شما بکند! این دلیل بر این است که غیر از ائمه به آن مقام می‌توانند برسند. حالا بحث امامت و حجة الله يك بحثی است، بحث این که آیا به آن مقام می‌توانیم برسیم و یا نرسیم يك بحث دیگری است.

لذا همه اولیاء خدا، حتی خود «امام رضوان الله تعالی علیه» از اول دوران کودکی‌شان به خواندن «زیارت عاشورا» ملتزم بودند و من هرکدام از مراجع را که با آن‌ها معاصر بودم در طول این مدت ندیدم با «زیارت عاشورا» مأنوس نباشد؛ یعنی همه از «مرحوم آقای اراکی» که ما درك کردیم، آقای «شیخ مرتضی حائری»، آقای «مرعشی»، آقای «گلپایگانی» و مراجع معاصر، حالا یا در طول سال همیشه می‌خواندند و یا در محرم و صفر!

در مورد «شیخ عبدالکریم حائری رضوان الله تعالی علیه» مؤسس حوزه علمیه قم می‌گویند ایشان هر روز بین الطلوعین به پشت بام می‌رفت خطاب به حضرت سید الشهداء «زیارت عاشورا» را با صد لعن و سلام می‌خواند؛

یعنی هر روز کار مرحوم «شیخ عبدالکریم حائری» این بوده است!

سال ۵۰ و ۵۱ که من در مدرسه فیضیه بودم، يك كتابی را در کتابخانه فیضیه دیدم و مطالعه کردم ظاهراً اسمش «الدر المنضود فی شرح زیارت العاشور» بود، من آن کتاب را که خواندم اصلاً به طور کلی روحم ۱۸۰ درجه عوض شد؛ یعنی من احساس می‌کنم نویسنده‌اش با يك اخلاصی این کتاب را نوشته است.

آغاز بحث...

بحث ما در رابطه با مصادر رجالی اهل سنت؛ «ضوابط حدیث صحیح و ضعیف» بود. دوستان حتماً مطالعه کنند. من نکاتی در این‌جا آورده‌ام که دوستان در هیچ‌جا به این شکل جمع شده ندارند.

ما در هر بحث علمی که بخواهیم وارد بشویم، اگر بخواهیم فقیه بشویم احتیاج به رجال داریم، اصولی بشویم، مفسر بشویم، محدث بشویم، مبلغ بشویم، روضه خوان بشویم، به رجال احتیاج داریم. از ما سوال می‌کنند آقا «فاطمیه اول» درست است یا «فاطمیه دوم» درست است؟ ما اگر رجال بلد نباشیم نمی‌توانیم تشخیص بدهیم.

در مورد خیلی از مسائل یا مقاتل ما هم روایات مختلف آمده که ما با علم رجال می‌توانیم درجه اعتبار آن را تشخیص بدهیم. آن‌ها که منکر علم رجال هستند یا امر بر این‌ها مشتبه شده، یا نه بعضی‌ها مغرض هستند و نمی‌توانند با روایات صحیح به آن اغراض خودشان برسند مجبور هستند منکر علم رجال بشوند تا بتوانند از هر روایت ضعیف برای رسیدن به مقصودشان استفاده کنند مثل همین «احمد الحسن» خبیث علیه آلاف اللعنة والعذاب. او همان «حدیث وصیت» را می‌آورد اساس کارش همین است. این «حدیث» سنداً مخدوش است متناً مخالف تمام روایات متواتر است.

از يك طرف می‌گویند این روایت در کتب اهل سنت هم هست، آن وقت در کتب اهل سنت «حدیث قرطاس» برای روز دوشنبه است ولی این حدیث در شب وفات است در اول متنش می‌گویند کلمه مهدی فقط در رابطه با علی است و اطلاق این کلمه بر غیر از علی برای هیچ‌کسی جایز نیست ولی در ذیلش می‌گویند ما دوازده تا

مهدی داریم! و حضرت مهدی را هم می‌آورد. یعنی ما با این‌ها بخواهیم بحث بکنیم من به دوستان توصیه می‌کنم روی بحثی که ایشان نایب و فرستاده حضرت مهدی است، این را کنار بگذارید بگویید ما می‌خواهیم در مورد کفر «احمد الحسن» با شما بحث کنیم، که اصلاً این شخص کافر یا مسلمان است؟ از آن‌جا باید شروع کرد.

در قضیه حضرت یونس به صراحت می‌گوید یونس، روحش در جهنم تا قیامت است، این ضد و خلاف قرآن است. شما از یک بچه شیعه یا یک بچه سنی سوال کنید یا از یک وهابی سوال کنید آیا اگر کسی معتقد باشد یک پیغمبری از پیامبران الهی جهنمی است، مسلمان است؟ همین کفایت می‌کند! چیز دیگری ما نمی‌خواهیم! در رابطه با امام حسین و حضرت امیر بخواهد توجیه بکند این قضیه به هیچ وجهی توجیه بردار نیست یا می‌خواهد بگوید من هم رسول و هم نبی هستم، هم مقام رسالت و هم مقام نبوت دارم می‌خواهد چه کار کند؟

پرسش:

مطلبی که در رابطه با «حضرت یونس» گفته است موجود است؟

پاسخ:

این را ما بارها نشان داده‌ایم! توهین به «حضرت یونس» شما ببینید این کتاب «متشابهات» احمد الحسن است. «متشابهات» جلد ۴، صفحه ۱۰۴ می‌گوید: «یونس در شکم ماهی مرد روحش به ظلمات جهنم نگریست» تا در صفحه بعد می‌گوید «من حقیقت را آشکار می‌کنم که روحش در طبقات جهنم تا روز بر انگیزته شدن باقی ماند!»

از این واضح‌تر و روشن‌تر؟! در متن عربی باز به همین شکل دارد. حتی «فتحیه» که یکی از لیدرهای این‌ها است به ما جواب داده و می‌گوید: آقای «قزوینی»! شما مگر نمی‌دانی؟! آیا ماهی آدم را بخورد زنده می‌ماند؟!

مرد و به جهنم رفت! این مثلا از لیدرهای آن‌هاست!

وقتی قرآن در رابطه با حضرت یونس صحبت می‌کند می‌گوید:

(وَنَجِّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم

انبیاء (۲۱): آیه ۸۸

(وَنَجِّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)؛ یعنی چه؟ یعنی جهنم بردیم؟!؟

(وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)؛ آی مردم! اگر مثل «حضرت یونس» بگویید شما را به جهنم می‌فرستیم! -مشکل که

یکی دو تا نیست!

یا:

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود

سوره صافات (۳۹): آیه ۱۳۹

(فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود؛ قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن [ماهی] می‌ماند!

سوره صافات (۳۹): آیه ۱۴۳ - ۱۴۴

بینید دارد: (لَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ)؛ بله آن‌هم (لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ)؛ یعنی فی بطن حوت! نه -نستجیر بالله-

در جهنم!

بعد می‌گوید:

(فَتَبَدَّلْنَا بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ)

پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۵

(وَأَنْبَثْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ)

و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوبن رویانیدیم

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۶

بعد دارد:

(وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)

و او را به سوی یکصد هزار [نفر از ساکنان نینوا] یا بیشتر روانه کردیم

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷

(وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ)؛ یعنی جسد بی‌روح او را برای نجات قومش فرستادیم؟ این چقدر واضح و روشن

است؛ این دیگر احتیاج به چیزی ندارد!

پرسش:

استاد! این‌ها قرآن را اشتباه می‌فهمند!

پاسخ:

بحث این است که ایشان کافر یا مسلمان است؟ شما اگر این را به یک وهابی بدهید (والله العلی الاعلی) می‌گوید این کافر است و من در کفرش شکی ندارم! حالا این که او نسبت به امام حسین می‌گوید (نستجیر بالله) در وجود حضرت سید الشهداء شرک بوده یا نسبت به امیر المؤمنین می‌گوید:

(وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] که واقعا انسان دستخوش زیان است

سوره عصر (۱۰۳): آیات ۱ و ۲

نستجیر بالله حضرت امیر است؛ را اصلاً کنار می‌گذاریم. اصلاً بحث امام و شیعه بودن را ما نمی‌خواهیم مطرح کنیم، که آیا این فرد شیعه است یا شیعه نیست! شما اگر متن عربی را هم بخواهید این متن عربی است که:

«ولكن ابّين الحقيقة هي أن ينبذ جسده بالعراء وروحه تلبث في طبقات جهنم إلى يوم يبعثون»

چه می‌فرمایید؟

پرسش:

استاد! آخرش گفته تناقضی بین آیات نیست، اتفاقاً در سوالی گیر کرده که چنین حرفی زده، شاید برای خودش سوالی بوده که چنین حرفی زده و این حرفها را مطرح کرده است.

پاسخ:

آقا جان! من کاری با آن ندارم. تناقض بوده یا نبوده؟! هر چه بوده تناقض را می‌خواهد با چه حل کند؟ با جهنمی بودن حضرت یونس می‌خواهد تناقض را برای ما حل کند؟!!

«فالمؤكد إن الله سبحانه وتعالى لابد أن يقضِ أمرا واحدا ، كعقوبة توعدها لنبي الله يونس ، فأما النبذ في

العراء وهو مذموم ... لكان هناك تناقض في القرآن»

چه تناقضی است؟

قرآن می گوید:

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

و اگر او از زمره تسبیح کنندگان نبود قطعا تا روزی که برانگیخته می شوند در شکم آن [ماهی] می ماند.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

اگر از مسبِّحین نبود قرآن می گوید:

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۷

بعد این (فرد منحرف) می گوید: «لكن أُبَيِّنُ الحقیقة»؛ نظر و فتوایش را دارد صادر می کند نظر شخصی اش

است ما کاری با مقدمه و مؤخره اش نداریم، «أُبَيِّنُ الحقیقة»؛ می گوید: آی مسلمانها! شما هیچ نفهمیدید! هیچ

کس چیزی نفهمیده! فقط من حقیقت را فهمیدم!

«ولكن ابين الحقیقة هي أن ينبذ جسده بالعراء وروحه تلبث في طبقات جهنم إلى يوم يبعثون»

«یوم یبعثون» را قرآن می گوید همان قیامت است.

یا توهینی که نسبت به حضرت امیر دارد، همان چیزی است که «منافقین» و «خوارج» درباره حضرت علی (علیه السلام) داشتند. در «صحیح بخاری» آورده که:

(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جِدَلًا)

... [و]لی انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد

سوره کهف (۱۸): آیه ۵۴

الجامع الصحیح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة ، تحقیق: د. مصطفی دیب

البغا، ج ۶، ص ۲۷۱۶

در رابطه با علی بوده! عصمت علی را با این آیه زیر سوال بردند! احمد الحسن هم آمده همان حرفی که «خوارج» در رابطه با حضرت علی زدند، را تکرار کرده است.

(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جِدَلًا)؛ ساخته پرداخته خوارج است، کسی که آیه تطهیر درباره اش آمده کسی که

نفس پیغمبر است نستجیر بالله **(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جِدَلًا)**؛ می شود! این موضوع با معتقدات عموم شیعه

مشکل دارد و حتی سنی ها هم چنین عقیده‌ی نسبت به حضرت امیر ندارند.

پرسش:

عبارت «صحیح بخاری» را رد کردند.

پاسخ:

بله، سنی‌ها عبارت «صحيح بخاری» را رد کردند می‌گویند این جزو روایات ضعیف بخاری است. مگر می‌شود امیر المؤمنین جزء (أَكْثَرُ شَيْءٍ جَدَلًا) باشد و حضرت پیغمبر، حضرت علی را برای نماز بیدار کند و حضرت علی برای نماز بیدار نشود!

(باید به ناقل این روایت جعلی گفت:) خاک بر سرت! این چه هست؟ یعنی حضرت امیری که نفس پیغمبر است، در پاسخ پیغمبر که می‌گوید علی بلند شو نماز بخوان بگوید خوابم می‌آید! می‌خواهم بخوابم! این به درد امامت می‌خورد؟! ما همین‌جا عبارت «صحيح بخاری» را هم ما آوردیم. دقت کنید این عبارت «صحيح بخاری»، این «صحيح بخاری» و ترجمه خود این مترسک!

پرسش:

حاج آقا! در ترجمه‌هایش خیلی گیر بوده؛ ولی در سر بزنگاه‌ها دست برده و عوضش کرده است!

پاسخ:

بله.

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَرَقَهُ وَفَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَقَالَ لَهُمْ أَلَا

تُصَلُّونَ قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّمَا أَنْفُسُنَا بِيَدِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَنَا بَعَثَنَا»

همان حرفی که بت‌پرست‌ها و مشرکین می‌زدند «لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَعَبَدْنَا»؛ اگر خدا می‌خواست ما عبادت می‌کردیم، حضرت علی و حضرت زهرا گفتند یا رسول الله، نفس و اراده ما دست خدا است اگر بخواهد بلند می‌شویم و نماز می‌خوانیم و اگر نخواهد بلند نمی‌شویم نماز بخوانیم! -نستجیر بالله- آخر این چه حرفی است؟! (بخاری نقل می‌کند بعد پیغمبر عصبانی شد و رفت

«ولم يَرْجِعْ إِلَى شَيْئَا ثُمَّ سَمِعْتُهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ يَضْرِبُ فَخِذَهُ»

حضرت پیغمبر به زانویش زد و گفت:

(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا)

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا، ج ۶، ص ۲۷۱۶

در این روایت جعلی، غضب پیغمبر هست، نماز نخواندن حضرت علی و فاطمه هست، کفریات نسبت به امیر المؤمنین هست! چون به نقل از حضرت علی می‌گوید: نفس ما دست خدا است اگر بخوهد ما نماز نمی‌خوانیم اگر نخواست نماز نمی‌خوانیم! یعنی قائل به جبر است! عین همین را این آقا (احمد بصری) به صراحت می‌گوید!

یکی از کارهایی که خدا توفیق‌مان داده این بوده که در هر بحث از جمله این بحث وقتی ورود پیدا کردیم، من گفتم عین کتابش را باید داشته باشم و نشان بدهم، الان در سایت‌ها و فضای مجازی فحش‌هایی که این‌ها به من می‌دهند وهابی‌ها در این بیست - سی سال به من ندادند! آن هم فحش‌های رکیک! مشخص است که واقعاً سوخته‌اند همه را رها کردند؛ آقای «شهبازیان» که نزدیک ده - دوازده سال است دارد کار می‌کند یا آقای «کورانی» همه را کنار زدند.

حال ببینید احمد بصری درباره این آیه (ان الانسان لفي خسر) چه تعبیری دارد: «جدل در این آیه یعنی کلام حق و حجت آوردن با آن بر اهل باطل و انسان در این آیه یعنی علی ابن ابیطالب و انسان هرگاه گمراه شود به باطل مجادله می‌کند»!

اصلاً از نظر ادبیاتی سطر اول با سطر دوم به هم نمی‌خواند! بچه کلاس دوم ابتدائی که بخواهد انشاء بنویسد بهتر از این می‌نویسد! انسان در این آیه یعنی علی ابن ابیطالب!

در هر صورت ...

الان این‌ها خیلی بدجور مخصوصاً در میان عوام در روستاها برای زن‌ها می‌روند تبلیغ می‌کنند و دنبال این هستند که آمار و تعدادشان را بیشتر بکنند. حالا ما یک سری کارهایی انجام دادیم بنا است تا عید ببندیم و بعد از عید ان شاء الله در چند عنوان این‌ها را تنظیم کنیم. یکی تناقضات ایشان است، همین آقای که می‌گوید حضرت یونس در جهنم رفت! می‌گوید من سنگی بودم در دست علی که حضرت یونس را نجات دادم! اگر نجات دادی پس این چه است که می‌گویی «إلی یوم یبعثون» در جهنم است!

پرسش:

آیا سید بودن ایشان محرز است؟

پاسخ:

قطعاً سید نیست، برادرش جزء ارتش «عراق» است فامیل‌ها و پسر عموهایش هستند هیچ کدام از پسر عموهایش ادعا نکردند که ما سید هستیم.

پرسش:

حاج آقا! کجا است در «انگلیس» یا در «عراق» است؟

پاسخ:

پلیس «عراق» مدعی است که ما در قضیه «جند السماء» که در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ اینها به «نجف» حمله کردند، احمد الحسن را کشتیم. خود این‌ها می‌گویند نه! بعد از آن ایشان به «امارات» پناهنده شد و از آن جا هم به

«استرالیا» رفته است و پسرش هم در دانشگاه ثبت نام کرده و درس می‌خواند و تا به حال تصویر و یا فیلمی حتی یک ثانیه‌ای هم از او پخش نکردند.

پرسش:

استاد! واقعاً در حوزه «نجف» همچنین شخصیتی وجود داشته یا نه؟

پاسخ:

بله این‌که می‌گویند هست همه به آن معتقد هستند.

پرسش:

البته استاد! این‌که فرمودید سید بودن برادرش ثابت نیست، او ادعا می‌کند که پدرم حضرت مهدی است لذا سید بودنش علی‌الظاهر ثابت نمی‌شود. حضرت مهدی را کسی ندیده است. به صورت ناشناس ازدواج کرده این هم می‌گوید پدرم حضرت مهدی است، ما از کجا بفهمیم؟!

پاسخ:

نه! خودش می‌گوید من نفر پنجم از فرزندان حضرت مهدی هستم.

پرسش:

حضرت مهدی ازدواج کند کسی او را نمی‌شناسد.

پاسخ:

ولی ایشان می‌گویند من می‌شناسم و پدرم به من چنین دستوری داده! نسب «احمد الحسن» را ببینید! در مورد نسب «احمد الحسن» می‌گوید: «آقای ما سید احمد پسر سید اسماعیل پسر سید صالح پسر سید حسین پسر سید سلمان پسر امام مهدی!» باز شجره‌نامه‌ای که برایش درست کردند به همین شکل است. باز در این‌جا

جواب‌ها مال خودش هست: «پدرانم ائمه از شما شکایت خواهند کرد چون آن‌ها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونت‌م ذکر کردند»؛ یعنی می‌گوید ائمه، پدران من بودند!

می‌گوید «خون امام حسین هم به خاطر من جاری شده!» در یک جای دیگر تعبیر این است که: «وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب است!» من واقعاً نفهمیدم مقطوع النسب یعنی چه؟! از نسل پنجم به حضرت مهدی برمی‌گردد؛ یعنی مهدی نستجیر بالله مقطوع النسب است؟ اگر مقطوع النسب است پس شما دیگر چه هستید؟!

پرسیده‌اند امام مهدی جد پنجم شما است؟ خیر، ما این‌ها را چه کار کنیم؟! شجره نامه را آقایان دقت بکنند از علی ابن ابیطالب می‌آید تا امام زمان «سلمان»، «حسین»، «صالح»، «اسماعیل» بالا می‌آید همه را کاملاً مشخص کردند. این هم «احمد»! «احمد» پسر «اسماعیل»، «اسماعیل» پسر «صالح»، «صالح» پسر «حسین»، «حسین» پسر «سلمان»، «سلمان» پسر حضرت مهدی (ارواحنا فداه)!

ان شاء الله به دوستان قول می‌دهیم این فایل را تکمیل بکنیم و از یک مرحله‌ای شروع کنیم. ما روی تناقضاتش مفصل کار کردیم، روی شباهت اینها به «بهائی»ها مفصل کار کردیم؛ یعنی تمام عبارت «بهاء» را با «احمد» گرفتیم و کنار هم گذاشتیم خیلی از جاها «احمد» عیناً کلمات «بهاء» را نقل می‌کند!

بعضی جاها یک مقداری قریب المضمون است؛ ولی بعضی جاها عین کلماتی که «بهائی»ها از «علی محمد باب» و «حسینعلی بهاء» دارند را احمد هم دارد. «قادیانیه» چه حرف‌هایی دارند؟ احمد بصری هم همان‌ها را دارد.

ان شاء الله سال خوش و مبارکی داشته باشید. ان شاء الله سال فرج حضرت ولی عصر ارواحنا فداه باشد و ما را هم دعا بفرمایید در این ایام و تلاش کنید که از مطالعه و کارهای تبلیغی عقب نمانید.

والسلام علیکم ورحمه الله